استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

حمید انوری یکشنبه ۲۹ نوامبر ۲۰۲۶

حافظهٔ وطن، به قلم یک خائن

آنکه در کشاکش دهر، نه سنگ زیرین آسیاب بود، بلکه سنگ بالای آسیاب بود، آسیابی که از خون فرزندان برومند افغان زمین می چرخید، آسیابی که از خون انسان می چرخید، آسیاب ایکه استخوانهای جوانان سلحشور افغان زمین را همه روزه و هر ساعت و هر دقیقه خورد و خمیر می کرد، آسیاب ایکه خون آدمیزاد آنرا به گردش در می آورد و لاجرم حافظهٔ وطن را نیز خرد و خمیر می کرد و...، و "عاشق وطن"، بی خیال و آسوده و خوش و خرم، شب و روز و هفته و چهارشنبه مشغول خوشخدمتی به اربابان روسی و غلامان داخلی آنان بوده و چنان می زیست که تو گوئی از پی امروز هرگز نبود فردائی...، او کس دیگری نبود، جز" محمد اعظم سیستانی"، عضو شورای انقلابی غلامان روس "خلق-پرچم).

اگر خیانت ها و جنایات او را برشماریم، مثنوی هفتادمن کاغذ می شود و...، و اما یکی دو فرد بی غم باش و بی احساس و وجدان مرده و شرف باخته، به نام های مستعار "لمبه رنگریز" در فیس بوک "متا" و جلیل زاد در سایت بی در و دروازه و دروازه بان، بنام "افغان- جرمن آنلاین" این اعظمک شورای انقلابی حزب منحلهٔ خون ریز و ددمنش و خائن و جنایت گستر "دموکراتیک خلق" را چنان تعریف و توصیف می کنند که تو گوئی هر سه، یک نفر اند و این سفسطه بازی ها را به کمک "هوش مصنوعی" به خورد یک مشت افراد بی خبر از دنیا می دهند و خود به غندی خیر نشسته و به ریش آنها می خندد.



نظری می اندازیم به تازه ترین جفنگ های "لمبه رنگریز"، "ن. جلیل زاد" و یا هم هوش مصنوعی:


انیس

خصلت سوداگری طبابت میراث

خصمانه‌ی دولتهای ارتجاعی گذشته است

برضدخلقهای ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت میگیرد

رئیس مؤسسه و دبیر مسئول

مژدهٔ پیروزی به خلقهایی که بخاطر آزادی می‌رزمند

و اما واقعیت خیلی ها تلخ است و فرسخ ها از طرز تفکر و برداشت و معلومات هوش مصنوعی، یا "لمبه رنگریز" و یا هم "ن. جلیل زاد" فاصله دارد. تاریخ در جملهٔ هزاران هزار خیانت سیستانی به وطن و وطندار، در یک کنج ذهن خود این سطور از قلم شکسته و خونین سیستانی را به حافظه سپرده است:

" انیس ۷ میزان ۱۳۵۸ شمسی

اعظم سیستانی

خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانهٔ دولت های ارتجاعی گذشته است...

این ها و ده ها اقدام مهم انقلابی دیگر را میتوان مثال زد که هر کدام آن نشانه بارز و موثری از تحقق آرمان های انقلاب ثور است. این اقدامات هر یک موجد پیوند های عمیق اجتماعی و دموکراتیک بین توده های خلق و دولت خلقی گردید و روز بروز رشته های همبستگی و اعتماد زحمت کشان و دولت خلقی شان محکم تر شده می رود. و همچنان در جهت تامین خدمات صحی رایگان خاتمه دادن به سوداگری های ضد اجتماعی در امور صحی و مبارزه علیه بیماری گونه گون و بسط و توسعه طب وقایوی و معالجوی گامهای سودمندی برداشته شد...".

محمد اعظم سیستانی، در نتیجهٔ خوش خدمتی های پایان ناپذیر خویش به تجاوزگران خون ریز و ددمنش روسی، به لقب نامأنوس"کاندید اکادمسین" ارتقا داده شد و معاشات بلند و امکانات گسترده در اختیارش گذاشته شد و حتی اگر یک تب عادی هم می کرد، یا به ماسکو و یا هم پراگ فرستاده می شد. او چپ و راست و هفته و چهارشنبه مقالات تبلیغاتی برای حزب دموکراتیک خلق در حالی می نوشت و از آن جنایت گستران تعریف و تمجید و توصیف می کرد که هزاران هزار هموطن شریف و نجیب و آزادهٔ ما در پلیگون های مرکز و ولایات یا گلوله باران می گردیدند و یا هم زنده بگور و او را حتی خمی هم بر ابرو نمی آمد و گویا"پیش جانانهٔ من پنبه و پندانه" یکی بود.

سیستانی
حافظه ای است که
فراموش نمی کند،
در زمانی که فراموشی
آسان ترین راه بود.
او آینه ای است که هر بار
دشمن خواست چهره
این سرزمین را مخدوش کند،
صادقانه و بی هراس،
تصویر واقعی را بازتاباند.
قلمش نه برای شهرت،
بلکه برای خدمت تراشیده شده ,
و این،
شریف ترین نوع نوشتن است.

و اما هوش مصنوعی یا همانا "لمبه رنگریز" و یا هم" ن. جلیل زاد" را باید با این حافظهٔ تاریخی شان تقدیر کرد که در دور دوارِ کرهٔ ارض، همین یک خائن و خبیث

و خاطی را نشان یافته اند و چپ و راست و هفته و چهارشنبه جز تعریف و توصیف او، کار دیگری ندارند که ندارند و در وصف او گویا قلم فرسائی نموده می نویسند:

او که گویا حافظهٔ است که فراموش نمی کند، چرا تمام خیانت های خود را به وطن و وطندار، فراموش کرده است و از آن دوران شوم و ننگین و خونین، چیزی نمی نویسد؟

او از زمان همکاری تنگاتنگ خود با شورای انقلابی و تجاوزگران روسی، چرا همه چیز را به فراموشی سپرده و همان راه آسان را برگزیده است؟!

او در زمان تجاوز روس بر افغانستان و زمانی که در شورای انقلابی رژیم انفلاقی لمیده بود، چگونه و در کدام زمان" تصویر واقعی را بازتاباند"؟!

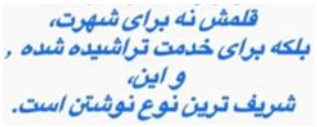

آن قلم شکسته که به زعم هوش مصنوعی گویا تصویر واقعی را باز تاباند، چرا در زمانی که در شورای انقلابی لم داده بود، از لام تا کام سخنی نگفت، سطری ننوشت و اعتراضی نکرد؟!

عجب قلم تراشی بوده است که درست در بعد از سقوط رژیمِ خطا و خیانت و خون، شروع به کار کرد و قبل برآن چنان کُند بود که از حافظهٔ تاریخی در آن اثری نبود که نبود.

شریف ترین نوع نوشتن را هموطنان دراک ما می توانند در بریدهٔ اخبار انیس دورانِ خون و خیانت و جنایت حزبِ دموکراتیک خلق در بالا از نظر گذشتانده و قضاوت فرمایند.

این سلسله نظر به ضرورت ادامه خواهد یافت